

Rethinking The Functions Of Iranian Higher Education With An Emphasis On The Connection Between Instruction, Education And Social Life

Sayed Alireza Moojani^{1*}, Tahmineh Mostaghim²

1. PhD student in Higher Education, Central Tehran Azad University, Tehran, Iran.

2. PhD student in Educational Management, Central Tehran Azad University Tehran, Iran.

Background and Objective: Higher education in the contemporary world has faced extensive changes, and universities are no longer considered merely institutions for transferring knowledge, but play an important role in human education, social development, and shaping the lived experience of students. The aim of the present study was to rethink the functions of higher education in Iran and explain the relationship between instruction, education, and social life.

Method: The qualitative research approach and the research method were analytical-descriptive. The sources of information collection included articles and sources related to the subject over a period of time, separated into Persian sources over a period of time (1396 to 1404) and Latin sources over a period of time (1990 to 2025). The sampling method was purposive and the sample included the sources available to the researcher over the aforementioned period. The tool was a researcher-made checklist. The analysis method was conceptual analysis.

Findings: The research findings showed that the dominance of the education-oriented approach, the diminution of educational functions, and the weakening of students' social life have been among the most important challenges of higher education, and the realization of deep learning and human development of students requires interaction and synergy between formal education, academic education, and social life.

Results: The research results can provide a basis for reviewing policies, curricula, university evaluation systems, and the design of teaching-learning environments in higher education in the country.

Review History:

Received: 21/04/2025

Revised: 07/06/2025

Accepted: 12/07/2025

Available Online: 03/09/2025

Keywords:

Higher Education
University Upbringing
Social Life
Deep Learning
integrated university

HOW TO CITE THIS ARTICLE

Moojani, S. A. and Mostaghim, T. (2025). Rethinking The Functions Of Iranian Higher Education With An Emphasis On The Connection Between Instruction, Education And Social Life, *Journal of Management of Teaching and Learning Environments in Higher Education*, 1(2), 55-60.

doi: 10.22084/jmtlehe.2026.32149.1015

Online ISSN 3092-6394



*Corresponding author's: Email: alireza_moojani@yahoo.com



Copyrights for this article are retained by the author(s) with publishing rights granted to Buali Sina University Press. The content of this article is subject to the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC-BY-NC 4.0) License. For more information, please visit <https://www.creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/legalcode>

بازاندیشی در کارکردهای آموزش عالی ایران با تأکید بر پیوند آموزش، تربیت و زیست اجتماعی

سید علیرضا موجانی^{۱*}، تهمینه مستقیم^۲

۱. دانشجوی دکتری آموزش عالی دانشگاه آزاد تهران مرکز، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد تهران مرکز، تهران، ایران.

تاریخچه داوری:

دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱

بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۱

ارائه آنلاین: ۱۴۰۴/۰۶/۱۲

کلمات کلیدی:

آموزش عالی

تربیت دانشگاهی

زیست اجتماعی

یادگیری عمیق

دانشگاه یکپارچه.

زمینه و هدف: آموزش عالی در جهان معاصر با تحولات گسترده‌ای مواجه شده است و دانشگاه‌ها دیگر صرفاً نهادهایی برای انتقال دانش تلقی نمی‌شوند، بلکه نقش مهمی در تربیت انسانی، توسعه اجتماعی و شکل‌دهی به تجربه زیسته دانشجویان ایفا می‌کنند. هدف پژوهش حاضر بازاندیشی در کارکردهای آموزش عالی ایران و تبیین رابطه میان آموزش، تربیت و زیست اجتماعی بود.

روش: رویکرد پژوهش کیفی و روش پژوهش، روش تحلیلی-توصیفی بود. منابع جمع‌آوری اطلاعات شامل مقالات و منابع مرتبط با موضوع در بازه زمانی، به تفکیک منابع فارسی در فاصله زمانی (۱۳۹۶ تا ۱۴۰۴) و منابع لاتین در بازه زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۵ بوده است. روش نمونه‌گیری هدفمند و نمونه شامل منابع در دسترس محقق در بازه زمانی مذکور بوده اند. ابزار چک لیست محقق ساخته بود. روش تحلیل، روش تحلیل مفهومی بود.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که غلبه رویکرد آموزش‌محور، کم‌رنگ شدن کارکردهای تربیتی و تضعیف زیست اجتماعی دانشجویان از مهم‌ترین چالش‌های آموزش عالی بوده است و تحقق یادگیری عمیق و توسعه انسانی دانشجویان مستلزم تعامل و هم‌افزایی میان آموزش رسمی، تربیت دانشگاهی و زیست اجتماعی است.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش می‌تواند مبنایی برای بازنگری در سیاست‌ها، برنامه‌های درسی، نظام ارزیابی دانشگاه‌ها و طراحی محیط‌های یاددهی-یادگیری در آموزش عالی کشور فراهم آورد.



استناد به این مقاله: موجانی، سیدعلیرضا؛ مستقیم، تهمینه. (۱۴۰۴). بازاندیشی در کارکردهای آموزش عالی ایران با تأکید بر پیوند آموزش، تربیت و زیست اجتماعی. مدیریت محیط‌های یاددهی-یادگیری در آموزش عالی، ۱(۲)، ۵۵-۶۰.

doi:10.22084/jmtlehe.2026.32149.1015

*نویسنده مسئول: alireza_moojani@yahoo.com

حقوق مؤلفین به نویسندگان و حقوق ناشر به انتشارات دانشگاه بوعلی سینا داده شده است. این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (License Commons Creative) در دسترس شما قرار گرفته است. برای جزئیات این لایسنس، از آدرس <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> دیدن فرمائید.



مقدمه و بیان مسئله

آموزش عالی در جهان معاصر دیگر صرفاً نهادی برای انتقال دانش تخصصی تلقی نمی‌شود، بلکه به‌عنوان بستری برای توسعه انسانی، شکل‌گیری هویت اجتماعی و تربیت شهروندان مسئول شناخته می‌شود (Barnett, 2018)؛ دانشگاه‌ها علاوه بر کارکردهای آموزشی و پژوهشی، نقش مهمی در تقویت سرمایه اجتماعی، توسعه فرهنگی و ارتقای مشارکت مدنی ایفا می‌کنند. (Marginson, 2022)

در ایران نیز اسناد بالادستی آموزش عالی بر ضرورت تربیت متوازن علمی، فرهنگی و اجتماعی دانشجویان تأکید کرده‌اند. در سند دانشگاه اسلامی، دانشگاه نهادی معرفی شده است که باید زمینه رشد علمی، اخلاقی و اجتماعی دانشجویان را به‌طور همزمان فراهم سازد. همچنین در نقشه جامع علمی کشور، توسعه سرمایه انسانی و ارتقای فرهنگ علمی از اهداف اساسی آموزش عالی قلمداد شده است. پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد که تجربه دانشجویی، احساس تعلق دانشگاهی و مشارکت در فعالیت‌های علمی و اجتماعی تأثیر مستقیمی بر کیفیت یادگیری و شکل‌گیری هویت فردی دارد (عباس‌زاده و رضایی، ۱۴۰۰). در سطح بین‌المللی نیز نظریه دانشگاه اکولوژیک بارنت (۲۰۱۸)، نظریه مشارکت دانشجویی تینتو (۲۰۱۲) و دیدگاه آموزش خوب بیستا (۲۰۲۲)، بر ضرورت تعامل میان آموزش رسمی، تجربه‌های اجتماعی و فرآیندهای تربیتی تأکید دارند.

آموزش عالی ایران در دهه‌های اخیر توسعه کمی قابل توجهی را تجربه کرده است، اما این توسعه همواره با ارتقای متوازن کیفیت یادگیری، تربیت انسانی و توسعه زیست اجتماعی دانشجویان همراه نبوده است. بخش قابل‌توجهی از سیاست‌ها و نظام‌های ارزیابی دانشگاهی بر شاخص‌های آموزشی و پژوهشی متمرکز شده‌اند؛ در حالی که کارکردهای تربیتی و اجتماعی دانشگاه کمتر موردتوجه قرار گرفته‌اند (Biesta, 2022). بسیاری از پژوهشگران معتقدند آموزش عالی ایران طی دهه‌های اخیر بیش از حد بر شاخص‌های آموزشی و پژوهشی متمرکز شده و سایر ابعاد مأموریتی دانشگاه کمتر مورد توجه قرار گرفته است (فراس‌خواه، ۱۳۹۸؛ سلیمی و طالب‌زاده، ۱۳۹۷). در نتیجه، آموزش، تربیت و زیست اجتماعی دانشجویان به‌جای آنکه به‌صورت یک منظومه منسجم عمل کنند، در قالب حوزه‌هایی نسبتاً مستقل و جداگانه دنبال شده‌اند.

برخی از پیشینه‌های مرتبط با موضوع پژوهش عبارتند از: صافی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان محیط‌های یادگیری نشان داد که رویکردهای یکپارچه کیفیت یادگیری را افزایش می‌دهند، عباس‌زاده و رضایی (۱۴۰۰) با مطالعه تجربه زیست دانشگاهی دانشجویان به این

نتیجه رسیدند که کیفیت تعاملات اجتماعی، احساس تعلق دانشگاهی و فرصت‌های مشارکت دانشجویی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری هویت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشجویان دارد. نتایج پژوهش آنان نشان داد که یادگیری دانشجویان صرفاً در کلاس درس اتفاق نمی‌افتد، بلکه بخش مهمی از آن در بستر زیست اجتماعی دانشگاه شکل می‌گیرد، ملکی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان یادگیری در آموزش عالی نشان داد که یادگیری مستلزم تلقیق آموزش رسمی با تجربه‌های عملی است، فراس‌خواه (۱۳۹۸) دانشگاه را نهادی اجتماعی می‌داند که علاوه بر تولید دانش، وظیفه تسهیل یادگیری اجتماعی و مشارکت مدنی را بر عهده دارد. وی معتقد است که تقلیل دانشگاه به نهادی صرفاً آموزشی، موجب تضعیف کارکردهای اجتماعی و فرهنگی آن شده است. همچنین سلیمی و طالب‌زاده (۱۳۹۷) در بررسی کارکردهای تربیتی دانشگاه در نظام آموزش عالی ایران نشان دادند که برنامه‌های دانشگاهی بیش از حد بر انتقال دانش تخصصی متمرکز شده و به ابعاد تربیتی دانشجویان توجه کافی ندارند، بوی‌ر (۱۹۹۰) بر ضرورت بازاندیشی در مأموریت دانشگاه‌ها و توجه به ابعاد اجتماعی یادگیری تأکید کرده است. بارنت (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای با عنوان دانشگاه در عصر جدید نشان داد، دانشگاه صرفاً موسسه آموزشی نیست، تینتو (۲۰۱۲) نیز نشان داده است که میزان مشارکت دانشجویان در زندگی دانشگاهی، نقش مستقیمی در موفقیت تحصیلی، ماندگاری و توسعه فردی آنان دارد، بیستا (۲۰۱۵) با نقد رویکردهای صرفاً سنجش‌محور در آموزش، بر این نکته تأکید می‌کند که آموزش خوب تنها به انتقال دانش محدود نمی‌شود، بلکه باید به رشد شخصیت، مسئولیت‌پذیری و توانایی زیستن در جامعه نیز منجر شود، بارنت (۲۰۱۸) در نظریه دانشگاه اکولوژیک بیان می‌کند که دانشگاه باید با محیط اجتماعی، فرهنگی و انسانی خود رابطه‌ای پویا برقرار کرده و بستری برای رشد همه‌جانبه دانشجویان فراهم آورد.

اگرچه مطالعات متعددی به هر یک از این ابعاد پرداخته‌اند، اما هنوز چارچوبی منسجم برای تبیین روابط متقابل میان آموزش، تربیت و زیست اجتماعی در بستر آموزش عالی ایران ارائه نشده است. بنابراین مسئله اصلی این پژوهش آن است که چگونه می‌توان این سه مؤلفه را در قالب یک الگوی مفهومی یکپارچه بازتعریف و مدیریت کرد تا دانشگاه ایرانی بتواند مأموریت‌های آموزشی، تربیتی و اجتماعی خود را به‌صورت همزمان محقق سازد؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر رویکرد، کیفی و از حیث هدف، کاربردی است. روش پژوهش، روش تحلیلی-توصیفی است. منابع جمع‌آوری اطلاعات شامل مقالات و منابع مرتبط با موضوع در بازه زمانی، به تفکیک منابع فارسی در بازه زمانی (۱۳۹۶ تا ۱۴۰۴) و منابع لاتین در بازه زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۵ بوده است. نمونه شامل منابع در دسترس محقق در بازه زمانی مذکور بوده اند. ابزار چک لیست محقق ساخته بود. روش تحلیل، روش تحلیل مفهومی است. در این پژوهش، فرآیند تحلیل مفهومی بر اساس الگوی واکر و اونت (Walker and Avant, 2019) انجام شد. این الگو یکی از شناخته‌شده‌ترین روش‌های تحلیل مفهومی در مطالعات علوم انسانی و آموزشی است و امکان شناسایی ویژگی‌های اصلی مفاهیم و روابط میان آن‌ها را فراهم می‌سازد. مراحل اجرای پژوهش شامل انتخاب مفاهیم محوری پژوهش شامل آموزش، تربیت و زیست اجتماعی؛ تعیین هدف تحلیل مفهومی و تبیین ضرورت بازاندیشی در نسبت میان این مفاهیم در آموزش عالی ایران؛ شناسایی کاربردها و تعاریف مفاهیم در متون نظری، پژوهش‌های علمی و اسناد سیاستی؛ استخراج ویژگی‌های اساسی هر مفهوم و تحلیل روابط متقابل میان آن‌ها؛ تدوین چارچوب مفهومی نهایی و ارائه مدل تحلیلی پژوهش بوده است. برای تعیین اعتبار تحلیل‌ها از راهبردهای بازبینی مستمر منابع، مقایسه تطبیقی مفاهیم استفاده شد.

یافته‌ها

برای تحلیل نسبت میان آموزش، تربیت و زیست اجتماعی در آموزش عالی ایران، پژوهش حاضر از تلفیق سه رویکرد نظری بهره گرفته است.

نخست، نظریه «دانشگاه اکولوژیک» بارنت (۲۰۱۸) که دانشگاه را صرفاً یک سازمان آموزشی نمی‌داند، بلکه آن را زیست‌بومی متشکل از روابط علمی، فرهنگی، اجتماعی و انسانی تلقی می‌کند. براساس این دیدگاه، یادگیری دانشجویان در تعامل میان محیط‌های رسمی و غیررسمی دانشگاه شکل می‌گیرد. دوم، نظریه «مشارکت دانشجویی» تینتو (۲۰۱۲) که بر نقش تعاملات اجتماعی و مشارکت فعال دانشجویان در موفقیت تحصیلی و توسعه‌ی فردی تأکید دارد. این نظریه نشان می‌دهد که میزان درگیری دانشجویان در فعالیت‌های دانشگاهی، نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت یادگیری آنان ایفا می‌کند. سوم، دیدگاه «آموزش خوب» بیستا (۲۰۱۵) که سه کارکرد اصلی آموزش شامل صلاحیت علمی، اجتماعی‌شدن و هویت‌یابی را مطرح

می‌کند. براساس این دیدگاه، آموزش زمانی اثربخش است که علاوه بر انتقال دانش، زمینه رشد اجتماعی و شکل‌گیری هویت فردی را نیز فراهم سازد.

بر مبنای تلفیق این سه رویکرد، پژوهش حاضر آموزش، تربیت و زیست اجتماعی را سه مؤلفه به‌هم‌پیوسته در محیط‌های یاددهی-یادگیری دانشگاهی تلقی می‌کند که تحقق یادگیری عمیق و توسعه انسانی دانشجویان در گرو تعامل و هم‌افزایی میان آن‌هاست. در این مدل، دانشگاه به‌مثابه یک زیست‌بوم یادگیری در نظر گرفته می‌شود که در آن سه نظام مکمل و به‌هم‌پیوسته فعالیت می‌کنند این نظام‌ها شامل ۱- نظام آموزش: شامل برنامه‌های درسی، فعالیت‌های آموزشی، یادگیری رسمی و توسعه دانش تخصصی، ۲- نظام تربیت: شامل شکل‌گیری ارزش‌ها، هویت حرفه‌ای، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، اخلاق دانشگاهی و رشد شخصیت و ۳- نظام زیست اجتماعی: شامل تعاملات دانشجویی، مشارکت اجتماعی، فعالیت‌های فرهنگی، انجمن‌های علمی و تجربه زیسته دانشگاهی است.

براساس این مدل، یادگیری عمیق زمانی شکل می‌گیرد که این سه نظام در تعامل مستمر با یکدیگر قرار گیرند. ضعف هر یک از این ابعاد می‌تواند اثربخشی دو بعد دیگر را نیز کاهش دهد. هسته مرکزی مدل، «توسعه انسانی دانشجوی» است که پیامد نهایی تعامل آموزش، تربیت و زیست اجتماعی محسوب می‌شود.

یافته‌ها نشان می‌دهد که در آموزش عالی ایران، آموزش، تربیت و زیست اجتماعی غالباً به‌صورت مجزا و ناهماهنگ دنبال می‌شوند. غلبه رویکرد آموزش‌محور، تضعیف نقش تربیتی دانشگاه و کم‌رنگ شدن زیست اجتماعی دانشجویان از مهم‌ترین پیامدهای این گسست است که به شکل‌گیری تجربه‌ای ناپیوسته از یادگیری منجر شده است. بر مبنای تحلیل‌های انجام‌شده، پژوهش پنج گزاره نظری را مطرح می‌کند: ۱- هرچه پیوند میان آموزش رسمی و زیست اجتماعی دانشجویان بیشتر باشد، یادگیری عمیق‌تر خواهد بود. ۲- تربیت دانشگاهی بدون مشارکت فعال دانشجویان در زندگی دانشگاهی تحقق نمی‌یابد. ۳- زیست اجتماعی دانشگاهی یکی از مهم‌ترین بسترهای یادگیری غیررسمی محسوب می‌شود. ۴- آموزش عالی آموزش‌محور، در تحقق مأموریت‌های تربیتی و اجتماعی با محدودیت مواجه خواهد شد. ۵- ارتقای کیفیت آموزش عالی مستلزم مدیریت یکپارچه آموزش، تربیت و زیست اجتماعی است.

بحث و نتیجه‌گیری

سوق دهند؛ و پژوهش‌های تجربی در این حوزه توسعه یابد. پژوهش حاضر با محدودیت‌ها و موانعی نیز همراه بوده است، این مطالعه از نوع تحلیل مفهومی است و به داده‌های تجربی متکی نیست؛ بنابراین نتایج آن قابلیت تعمیم آماری ندارد. هم‌چنین دسترسی محدود به گزارش‌ها و داده‌های رسمی برخی دانشگاه‌ها، امکان تحلیل دقیق‌تر وضعیت زیست اجتماعی دانشجویان را کاهش داده است.

ملاحظات اخلاقی پژوهش

در انجام این پژوهش، اصول اخلاق پژوهش شامل امانت‌داری علمی، استناد دقیق به منابع، پرهیز از تحریف داده‌ها و رعایت حقوق مالکیت فکری رعایت شده است. تمامی منابع مورد استفاده بر اساس استانداردهای علمی مورد استناد قرار گرفته‌اند. از آنجا که پژوهش حاضر مبتنی بر تحلیل اسناد و متون علمی بوده و هیچ‌گونه مشارکت انسانی یا مداخله میدانی در آن صورت نگرفته است، اخذ رضایت‌نامه انسانی موضوعیت نداشته است. با این‌حال، پژوهشگران تلاش کرده‌اند تحلیل‌ها را بدون سوگیری و مبتنی بر شواهد ارائه نمایند.

مشارکت نویسندگان

نویسنده اول: ایده‌پردازی پژوهش، طراحی چارچوب مفهومی، تحلیل داده‌ها و نگارش متن اصلی مقاله. (۶۵٪)
نویسنده دوم (نویسنده مسئول): مشارکت در تبیین مبانی نظری، بازبینی علمی، ویرایش نهایی و تطبیق مقاله با فرمت نشریه. (۳۵٪)

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه تعارض منافی در انجام و انتشار این پژوهش وجود ندارد.

سپاس‌گزاری

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از صاحب‌نظران حوزه آموزش عالی که با ارائه دیدگاه‌ها و نقدهای علمی خود به ارتقای کیفیت این پژوهش کمک کرده‌اند، قدردانی نمایند.

منابع

سلیمی، غلامرضا، و طالب‌زاده، حسین. (۱۳۹۷). کارکردهای تربیتی دانشگاه در نظام آموزش عالی ایران. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۴(۳)، ۵۵-۷۴

پژوهش حاضر با هدف بازاندیشی در نسبت آموزش، تربیت و زیست اجتماعی در آموزش عالی ایران انجام شد. نتایج نشان داد که یکی از مهم‌ترین چالش‌های دانشگاه‌های ایران، فقدان پیوند ساختاری میان این سه مؤلفه است. غلبه رویکرد آموزش‌محور، حاشیه‌نشینی کارکردهای تربیتی و کم‌رنگ شدن زیست اجتماعی دانشجویان موجب شده است دانشگاه نتواند به‌طور کامل نقش خود را به‌عنوان یک زیست‌بوم یادگیری ایفا کند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که یکی از چالش‌های بنیادین آموزش عالی ایران، گسست میان آموزش، تربیت و زیست اجتماعی دانشجویان است. این یافته با دیدگاه فراستخواه (۱۳۹۸) همسو است که دانشگاه را نهادی اجتماعی دانسته و معتقد است محدود شدن دانشگاه به انتقال دانش، موجب تضعیف کارکردهای فرهنگی و اجتماعی آن می‌شود. هم‌چنین بارنت (۲۰۱۸) در نظریه دانشگاه اکولوژیک تأکید می‌کند که دانشگاه باید بستری برای رشد همه‌جانبه دانشجویان در ابعاد علمی، انسانی و اجتماعی باشد. تحلیل اسناد بالادستی نشان داد که در «سند دانشگاه اسلامی» بر تربیت متوازن علمی، فرهنگی و اجتماعی دانشجویان تأکید شده است، اما در عمل بخش عمده نظام ارزیابی دانشگاه‌ها بر شاخص‌های آموزشی و پژوهشی متمرکز شده است. این یافته با نتایج پژوهش سلیمی و طالب‌زاده (۱۳۹۷) نیز همخوانی دارد که شکاف میان اهداف تربیتی دانشگاه و عملکرد واقعی آن را گزارش کرده‌اند.

در بعد زیست اجتماعی، یافته‌ها نشان داد که تعاملات دانشجویی، مشارکت اجتماعی و تجربه‌های غیررسمی یادگیری کمتر در کانون برنامه‌ریزی دانشگاه‌ها قرار گرفته‌اند. این نتیجه با نظریه یادگیری اجتماعی ونگر (۲۰۱۸) و پژوهش تیتو (۲۰۱۲) مطابقت دارد که بر نقش مشارکت دانشجویان در موفقیت تحصیلی و شکل‌گیری هویت دانشگاهی تأکید کرده‌اند. از سوی دیگر، دیدگاه بیستا (۲۰۱۵) نشان می‌دهد که آموزش باکیفیت تنها به انتقال دانش محدود نمی‌شود، بلکه باید سه کارکرد اساسی شامل کسب صلاحیت علمی، اجتماعی‌شدن و هویت‌یابی را پوشش دهد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در بسیاری از دانشگاه‌های ایران، بعد نخست بیش از دو بعد دیگر مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود بازنگری در رویکردهای مدیریتی دانشگاه‌ها انجام شود، به زیست اجتماعی به‌عنوان بخشی از فرایند یادگیری توجه شود، مشارکت فعال دانشجویان در محیط دانشگاه نهادینه شود، برنامه‌های آموزشی و تربیتی مورد توجه هم سنگ قرار گیرد، برنامه‌های درسی را به سمت یادگیری تجربه‌محور و جامعه‌محور

- Kahu, E. R., and Nelson, K. (2024). Student engagement in higher education: New directions and challenges. *Higher Education Research and Development*, 43(1), 1-15.
- Marginson, S. (2022). Student self-formation in higher education. *Journal of Higher Education*, 93(4), 501-519.
- Marginson, S. (2025). The civic university in a changing world. *Higher Education Quarterly*, 79(1), 15-33.
- Princeton, NJ: Carnegie Foundation.
- Seif, A. A. (2020). *Educational psychology: Learning and instruction*. Tehran: Doran. [In Persian]
- Tight, M. (2023). Higher education research: The developing field. *Higher Education Review*, 55(2), 45-61.
- Tinto, V. (2012). *Completing college: Rethinking institutional action*. Chicago: University of Chicago Press.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۹). روان‌شناسی پرورشی (یادگیری و آموزش) (ویرایش جدید). تهران: دوران
- شریعتمداری، علی. (۱۴۰۱). مبانی تربیت در آموزش عالی. تهران: امیرکبیر.
- صافی، احمد. (۱۴۰۲). مدیریت آموزشی و دانشگاه آینده. تهران: مدرسه.
- عباس‌زاده، محمد، و رضایی، فاطمه. (۱۴۰۰). زیست دانشگاهی و تجربه دانشجویی در آموزش عالی ایران. مطالعات فرهنگی-اجتماعی، ۱۲(۲)، ۱۰۱-۱۲۴.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۶). استقلال دانشگاهی در ایران؛ پیش‌برنده‌ها و بازدارنده‌ها. در مجموعه مقالات همایش ملی استقلال دانشگاه‌ها: چالش‌ها و راهبردها. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۸). دانشگاه، جامعه و یادگیری اجتماعی. تهران: نشر نی.
- فراستخواه، مقصود. (۱۴۰۱). دانشگاه و آینده ایران. تهران: نشر نی.
- ملکی، حسن. (۱۴۰۱). برنامه درسی و یادگیری در آموزش عالی. تهران: آگاه.
- مهرمحمدی، محمود. (۱۴۰۰). تربیت و آموزش در عصر تحول. تهران: انتشارات سمت.
- Ashwin, P. (2023). *Transforming university education*. Bloomsbury Academic.
- Barnett, R. (2011). *Being a university*. London: Routledge.
- Barnett, R. (2018). *The ecological university: A feasible utopia*. London: outledge.
- Barnett, R. (2021). *The philosophy of higher education*. Routledge.
- Barnett, R., and Jackson, N. (2024). *Ecologies for learning and practice in higher education*. Routledge.
- Biesta, G. (2015). *Good education in an age of measurement*. London: Routledge.
- Biesta, G. (2022). *World-centred education: A view for the present*. Routledge.
- Boyer, E. L. (1990). *Scholarship reconsidered: Priorities of the professoriate*.
- Farasatkah, M. (2017). *University autonomy in Iran: Drivers and barriers*. Tehran: AllamehTabataba'i University. [In Persian]
- Farasatkah, M. (2019). *University, society, and social learning*. Tehran: Nashr-e Ney. [In Persian]
- Jackson, L. M. (2019). *The psychology of prejudice: From attitudes to social action* (2nd ed.). American Psychological Association.